

## Establishment of Economic Structures during the Great Seljuk period

Mohammad Saber<sup>1</sup>

### Abstract

A review of the establishment and operation of economic structures in Iran's urban and rural fabrics during the Seljuk period serves as the foundation for understanding this dynasty's socioeconomic measures. As a result, studying the development of economic infrastructure during the Seljuk period can help us better understand the links between economic growth and the development of urban-rural life and urban areas or vice versa, throughout this period.

This study aims to investigate the number of business-related structures in various areas of economic use during Seljuk's reign. This study also addresses the role of the central government, urban, rural, religious, and military elites, and socioeconomic demands of the period in the development of such structures.

The main research questions are as follows: 1- How accurately does the construction of economic infrastructure during the Seljuk era reflect Iran's economic situation at the time? 2- What factors influenced the development of such structures?

**Keywords:** Seljuks, Urban structures, Economic structures, Schools, Bazaar, Caravanserai, Rabat.

---

<sup>1</sup> M. A Student of the History of Iran, University of Tehran. Tehran. Iran. sabbahsaber@gmail.com

Date received: 13/11/2022, Date of acceptance: 17/2/2023



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

## تأسیس بناهای اقتصادی در دوره سلجوقیان بزرگ

محمد صابرا<sup>۱</sup>

### چکیده

بررسی فرآیند تأسیس و عملکرد تأسیسات اقتصادی در کالدهای شهری و غیر شهری ایران دوره سلجوقی، زمینه بسیار مناسبی برای بازشناسی اقدامات حکومت سلجوقی در حوزه‌های اقتصادی-اجتماعی را فراهم می‌آورد. از این رو تبیین روند تأسیس بناهای اقتصادی در این دوره، زمینه‌ساز فهم بهتر مناسبات میان رشد وضعیت اقتصادی با توسعه زندگی شهری-روستایی و فضاهای شهری یا بالعکس آن، می‌شود. با در نظر گرفتن این واقعیت که حکومت سلجوقی بزرگترین سرمایه‌گذاری در روند تأسیس زیرساخت‌ها و مؤسسات اقتصادی در شهرها بود، اهمیت این بحث خود را روشن‌تر نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر کمیت تأسیسات مربوط به کسب و کار در قالب فضاها با کاربری اقتصادی در نواحی مختلف مورد مطالعه قرار گرفته و در همین راستا نقش حکومت، نخبگان شهری، روستایی، دینی و نظامی و نیز نیازهای اجتماعی-اقتصادی این دوران که با سیاست گسترش فضاهای مربوط، پاسخ داده می‌شد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسئله پژوهش پیش رو آن است که تأسیس بناهای اقتصادی توسط سلجوقیان، تا چه میزان نشانگر وضعیت اقتصادی در این دوران است، و نیز اقدامات صورت گرفته در این زمینه متکی به چه عواملی بوده است؟

**واژه‌های کلیدی:** سلجوقیان، بناهای شهری، بناهای اقتصادی، مدارس، بازار، کاروانسرا، رباط

<sup>۱</sup> . کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران sabbahsaber@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸



## ۱. مقدمه

در مطالعه تأسیس بناهای اقتصادی در دوران سلجوقی، نیازمند آن هستیم که نقشه اقتصادی دوران مذکور را در آغاز ترسیم کنیم، برای رهیافت به این مهم مطالعه منابع قبل و بعد از دوران سلجوقی به صورت دقیق نیاز است، مرور اجمالی کتاب‌های این عصر در حوزه‌های گوناگون چنین می‌نماید که اطلاعات باب این قسم فراوان است، اما به دلیل کلی‌گویی‌های غالب منابع و مأخذ مربوط به این دوران این مهم با دشواری در امر پژوهش روبرو است.

با این وجود با مطالعه وضعیت تولید و بازرگانی و تجارت شهرها و روستاها، و نیز اقدامات دولتی و بخش‌های خصوصی جهت آبادانی و تولید ثروت در ابعاد گوناگون دولتی و شخصی، و نیز تعمیم آگاهانه از نمونه‌های مشخص در گزارشات منابع جهت تأسیس برخی بناهای اقتصادی، می‌توان به یک بازسازی مستند تاریخی از حجم ساخت و سازها به صورت کلان دست پیدا کرد. با کاربست این رویکرد، انبساطی کلی و مستند جهت تفسیر و تبیین رابطه تأسیس بناها و وضع اقتصادی دوره مورد بحث؛ فراهم می‌گردد.

در پژوهش حاضر ابتدا شرایط اقتصادی در غالب تولید و تجارت در شهرها و روستاها در پهنه جغرافیا قلمرو سلجوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد، و در ادامه ارزیابی رابطه تأسیس بناهای اقتصادی، اقدامات دولت سلجوقی در این خصوص، با وضعیت اقتصادی این دوران به دست داده خواهد شد. احتمال می‌رود نتیجه این بحث زمینه‌های درک بهتر از وضعیت اقتصادی در خلال اقدامات عمرانی دولتی را تعمیق بخشد، و موجبات توجه بیشتر میان رابطه توسعه شهری، شهرنشینی و وضع اقتصادی دوران سلجوقی را فراهم آورد، همچنین درک صادقی از امکانات اقتصادی شهرهای گوناگون در قلمرو سلجوقی تا قبل از روی کار آمدن آن دولت ارائه میکند و میتواند در خلال آن به وضعیت روشنی از ابزارهای اقتصادی موجود در دست دولت سلجوقی پی برد.

## ۱. ۲. مسئله پژوهش

با توجه به خواستگاه سلجوقیان از صحاری آسیا مرکزی و شیوه زیست آنان در قالب عشایر کوچ‌نشین، می‌بایست توجه داشت ایران دوران سلجوقی از نظر امکانات

اقتصادی در قالب بناهای اقتصادی چه پیشرفتی داشت، و سلجوقیان چه درکی از مناسبات اقتصادی و تجارت و همسوی با آن جهت رشد شهر و شهرنشینی می‌داشتند، بنا بر اطلاعات موجود از منابع جغرافیای و تاریخی مربوط به قرون سوم الی چهارم هجری قمری مشخص می‌گردد وضعیت اقتصادی ایالات، شهرها و روستاها پویا و قابل توجه است و اکثر نواحی قبل از روی کار آمدن سلجوقیان و تأسیس دولت ایشان در سال ۴۳۱ ه. ق معمر و آباد بوده، مسئله پژوهش پیش رو آن است که شرایط این ایالات و شهر روستاها در دوران حکمرانی سلجوقیان بزرگ چگونه بوده است، و سلجوقیان با ابزارهای موجود اقتصادی در قالب بناهای مربوط به آن چه کرده‌اند؟ سلجوقیان چه میزان موجب پیشرفت و یا برعکس آن شدند؟ چگونه می‌توان از خلال گزارشات تاریخی و جغرافیایی به یک درک مستند از وضعیت توسعه بناهای شهری و در راستای آن بناهای اقتصادی و به تبع آن توسعه فضا اقتصادی شهرها و روستاهای دوران سلجوقی دست یافت؟ از طرفی توسعه بناهای شهری نظیر مدارس و خانقاه‌ها چه تاثیری در شکل جریان اقتصادی شهر در این دوران داشتند؟ سلجوقیان بزرگ با توجه به اقتدار و ایجاد نظم در سالهای ۴۵۰ ه. ق الی ۴۸۵ ه. ق توانستند همگام با توسعه سیاسی توسعه اقتصادی و شهر و شهر نشینی را فراهم آورند و نیز از تمام امکانات موجود و قابل احیاء نواحی زیر سلطه خود بهرمنند گردند و آن را تقویت کنند و نیز بسیاری از مناطق را نیز که تا قبل از آنان دچار رکود گردیده بود دست خوش تحول سازند و هم گام با آن بناهای زیادی مربوط به اقدامات اقتصادی تأسیس کنند.

### ۱.۳. فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش پیش رو بر آن استوار است که دولت سلجوقیان بزرگ با شناخت نیازهای جامعه و ملکداری و نیز کارآمدی و تسلط دیوان سالاری قدرتمند خود، و همچنین یکپارچگی قلمرو سیاسی و گستردگی آن، از تمام ظرفیت‌های موجود در جامعه و سرزمین زیر سلطه خود آگاه و بهرمنند بوده و در ایجاد بسترهای مناسب اقتصادی نظیر تجارت، امنیت، رشد و توسعه صنعت تلاش نمود. و امکانات لازم جهت سهل کردن این مهم را با ایجاد بناها و فضاهای اقتصادی چه در شهرها و چه در راه‌ها و... فراهم کرده است حال در طول حیات سیاسی آن دولت این مهم با طلوع و غروب

رو به رو گردید.

#### ۴.۱. روش پژوهش

روش اخذ شده در پژوهش حاضر، روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد، با گردآوری داده‌ها از منابع دست اول و مآخذ دسته اول، دوم و... و نیز توجه به پژوهش‌های جدید در حوزه مطالعات سلجوقی، نگارنده سعی نموده است که دست به بازسازی دقیق و مستند، در خصوص این حوزه از مطالعات دوران سلجوقی مربوط به اقدامات عمرانی و توسعه بناهای شهری مرتبط به تاریخ اقتصادی آن فراهم آورد و ایجاد کند.

#### ۵.۱. پیشینه پژوهش

کتاب «جستارهای در مناسبات شهر و شهر نشینی در دوران سلجوقیان» نوشته شهرام یوسفی‌فر (یوسفی فر، ۱۳۹۰) این کتاب شامل دو بخش است. بخش اول، با عنوان «الگوشناسی شهر ایرانی در دوره سلجوقی»، شامل این فصل‌ها می‌شود: پیشینه‌شناسی و تحلیل الگوی شهر ایرانی-اسلامی؛ شهر سلجوقی: تکامل، شکل‌یابی و هویت‌یابی؛ شکل‌شناسی شهر دوره سلجوقی. بخش دوم کتاب نیز با عنوان «مناسبات اقتصادی-اجتماعی شهرهای دوره سلجوقی» دارای این فصل‌ها است: وضعیت تولید کالایی؛ وضعیت مبادله؛ توزیع در شهرها. این بخش درصدد شناختن پدیده شهر و ساخت کالبدی آن به مثابه بازتاب اوضاع اجتماعی، سیاسی-اقتصادی و فرهنگی در تاریخ سلجوقیان و جهت‌دهی آن به مناسبات قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسلط بر آن جامعه است.

پژوهش پیش رو از جهت مسئله با این کتاب تفاوت دارد؛ این پژوهش در پی آن است که، با بررسی روند احداث بناهای شهری به دست سلجوقیان بزرگ، ارتباط اجزای برنامه‌های عمران شهری با سیاست‌های کشورداری آنان را شرح دهد و تحلیل کند. از دیگر سو کتاب «معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان» نوشته غلامعلی حاتم (حاتم، ۱۳۹۰) بر آن است که با بررسی معماری اسلامی در دوره سلجوقیان به سیر تاریخ، هنر و تداوم و پیشرفت معماری و هنر در این سرزمین بپردازد و در این تقسیم‌بندی در پی پاسخ دادن به مسئله خود است. همچنین سه فصل دارد - فصل اول معماری ایران در سده‌های نخستین اسلامی: «ساختمان مساجد، مناره‌ها و مقبره‌ها»؛

فصل دوم «بناهای دوره سلجوقی: بناهای مذهبی، مناره‌ها، بناهای غیرمذهبی، مدارس، کاروانسراها، مقبره‌ها و برج‌های مقبره‌ای» و فصل سوم «کلیاتی درباره معماری دوره سلجوقی: معماری و ویژگی‌های بناهای چهارایوانی، تزئینات و خصوصیات مقبره‌های عهد سلجوقی».

این کتاب، به جهت آن‌که غالباً بر هنر و سبک معماری بناهای سلجوقی تکیه دارد، به رابطه بنا با مناسبات سیاسی\_اقتصادی و... نمی‌پردازد.

مقاله «واکاوی آثار معماری و اقدامات عمرانی نخستین حکمرانان سلجوقی بر اساس منابع مکتوب از سال ۴۲۹ تا ۴۶۵ ه.ق» نوشته یوسف‌زمانی، نعمتی آبکناری، خالدیان (یوسف‌زمانی، مهرداد؛ نعمتی آبکناری، علی؛ خالدیان، ستار، ۱۳۹۶: ۲۴۴\_۲۲۷)، با هدف ارزیابی بازماندن آثار شاخص معماری در اوایل عهد سلجوقی، سعی در شناساندن اقدامات عمرانی طغرل و آلپ ارسلان دارد و برای رسیدن به این منظور از تحقیقات تاریخی کمک می‌گیرد و از میان منابع مکتوب به معرفی ساخت و ساز بناهای اوایل دولت سلجوقی می‌پردازد.

مقاله مقاله مزبور در هفت بخش سامان یافته است: بخش یکم معماری در پرتو منابع تاریخی؛ بخش دوم انعکاس آثار معماری و اقدامات عمرانی عصر طغرل و آلپ ارسلان (۴۲۹-۴۶۵ ه.ق) در منابع تاریخی؛ بخش سوم زمینه‌های بازتاب آثار معماری دوره نخستین سلاطین سلجوقی در منابع مکتوب؛ بخش چهارم نقش امرا و بزرگان عهد سلاطین نخستین سلجوقی در آفرینش آثار معماری؛ بخش پنجم نقش رقابت‌های سیاسی و مذهبی وزرا و بزرگان عهد سلجوقی در عمران و آبادانی؛ بخش ششم نقش علمای مذهبی مذکور در تراجم و طبقات در آفرینش سازه‌های معماری و بخش هفتم بازتاب معماری عهد سلجوقی در منابع ادبی.

مقاله نام‌برده توجه خود را معطوف به اقدامات عمرانی دو فرمانروای نخست دولت سلجوقی کرده و از موضوع و مسئله پژوهش حاضر دور است.

مقاله «الگوهای گسترش کالبدی شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران» نوشته شهرام یوسفی فر (یوسفی فر، ۱۳۸۵: ۳۵۰\_۳۱۹) به دنبال علت‌های بروز تغییرات در الگوی کالبدی و شکلی شهر ایرانی بررسی شده است. این تغییرات با عنایت به دو دسته

عوامل بیرونی و عامل درونی ارزیابی می‌شود. در تحقیق حاضر می‌کوشیم که، با بررسی روند احداث بناهای اقتصادی به دست سلجوقیان بزرگ، ارتباط اجزای برنامه‌های عمران شهری با سیاست‌های اقتصادی آنان را تشریح و تحلیل کنیم - حال آن‌که مسئله مقاله مزبور بررسی میزان تأثیری است که تغییر و تحولات مناسبات شهری ایران از تغییر اوضاع درونی و بیرونی می‌پذیرفت.

در مقاله «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران» به قلم شهرام یوسفی فر روند غالب در ظهور و تکامل مناسبات شهری در تاریخ ایران بررسی می‌شود. نویسنده طی بخش‌های عوامل سرزمینی، ظهور شهر به مثابه تکامل مناسبات اجتماعی، بازسازی مناسبات شهری به مثابه روش ایجاد شهر، حکومت، بانی شهر، دین به عنوان عامل تأسیس شهر، مؤسسات فرهنگی و زایش شهرها، تأسیسات دفاعی منشأ برپا شدن شهرها، تکامل تفرجگاه‌های خاص به استقرارگاه‌های شهری، تکامل منطقه مبادله‌ای به موقعیت شهری، مازاد تولید در بخش کشاورزی، شهر به مثابه شکل تکامل یافته زندگی روستایی - این مسئله را بررسی می‌کند که آیا این روند با عنوان نتیجه تکامل طبیعی مناسبات اجتماعی ایران تحقق می‌پذیرفته یا این‌که روند مزبور از عوامل ناپکسان تأثیر می‌گرفته است، در این پژوهش نیز موضوع و مسئله پژوهش پیش رو دنبال نشده است اما در تحقق درک از سیاست‌های اجتماعی در مناسبات توسعه سیاسی و کشورداری و هم گام با آن رشد و توسعه اقتصاد حائز اهمیت است.

پایان‌نامه کارشنای ارشد تحت عنوان «تأسیس و توسعه بناهای شهری در دوره سلجوقیان بزرگ» به قلم نگارنده (محمدصابر، شهرام یوسفی فر، ۱۴۰۰) نیز توجه صرف به تأسیس بناهای اقتصادی در دوران سلجوقیان بزرگ نداشته است، در مطالب آن توجه به سمت تاثیر ساخت و سازها در دوران سلجوقی بر شیوه کشورداری سلجوقیان بوده است و نیز برعکس آن، پژوهش پیش رو بخش زیادی از اطلاعات پایان‌نامه مذکور را مورد استفاده قرار داده است.

## ۲. جغرافیای اقتصادی قلمرو سلجوقیان

برای درک از جغرافیا اقتصادی قلمرو سلجوقی نیاز است تا شناخت درستی از وضعیت اقتصادی سرزمین‌های آنان به دست آوریم تا بر اساس آن بتوانیم دریابیم که به چه میزان رونق اقتصادی و بالعکس، بر سرزمین‌های تحت تصرف سلجوقی حاکم بوده یا

حاکم شد است. سلجوقیان از ماوراءالنهر و خراسان برخواسته و این مناطق از وضعیت اقتصادی ممتازی برخوردار بودند چه از آن جهت که از دیرباز بر سر مسیرهای تجاری شرق به غرب قرار داشته و چه از نظر تولیدات بومی خود.

در خراسان و ماوراءالنهر بازرگانان بازارهای مشخص به خود را داشتند و اغلب اوقات این بازارها به صورت هفتگی برپا می‌گشت، آنان دارای انبارها و اماکن اختصاصی نیز بودند، مهم‌ترین شهرهایی که از مراکز تجمع کالاها و انبار آنها در خراسان به شمار می‌آمد و به نقاط دیگر منتقل می‌گشت هرات و سرخس بود (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ مقدسی، ۱۳۹۶: ۴۵۷).

تولیدات بومی در خراسان، کشت و تولید انواع غلات و میوه، ساخت رکاب، تولید انواع جامه‌ها و پارچه‌های گوناگون، پرورش اسب‌های مشهور به بخارایی بوده است و همچنین وجود معادن لاجورد، فیروزه و نقره، که این موارد منجر به رشد این منطقه و تولید ثروت می‌گشت (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۸۸؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۸).

ماوراءالنهر نیز در این امر سهیم بود و تولیدات انبوهی داشت، نظیر انواع پارچه‌های مرغوب، کاغذ، میوه‌های مختلف و ... ماوراءالنهر چون خراسان خود از انبارهای کالاهای تجاری به شمار می‌رفت و فراوانی در آن بسیار بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۵\_۱۹۴). با توجه به جایگاه خراسان باب قرار گرفتن در مسیرهای تجاری و تنوع کالاهای آن سامان، عملاً خراسان و ماوراءالنهر از بزرگ‌ترین مراکز نقل و انتقالات کالاهای تجاری بومی و غیربومی از شرق به غرب و هندوستان به شمار می‌رفتند.

نیشابور به عنوان یکی از شهرهای بزرگ خراسان از مراکز بافندگی به شمار می‌رفت و محصولات آن به دیگر مناطق صادر می‌شد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۷؛ اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۹۶ و ۲۹۷). نسا و ابیورد نیز از مراکز مهم بافندگی بودند، تولید ظروف سنگی در شهر طوس صورت می‌گرفت، بلخ به تنهایی حجم عظیمی از کالاهای تجاری نظیر غلات و حبوبات، صابون، میوه‌جات و پارچه تولید می‌کرد و از آنجا به دیگر نواحی صادر می‌گشت (مقدسی، ۱۳۹۶: ۴۷۵). بلخ یکی از مکان‌های تجمع بازرگانان هند نیز بود و انبار کالاهای هندی به شمار می‌آمد (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۹۹). در اطراف



طوس همچنین حجم اعظمی معادن وجود داشتند که مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت (همان، ۹۰).

مرو با دارا بودن بازارهای بزرگ و مهم از مراکز تولید ابریشم قز بود و نیز پنبه مروی و کرباس آن که بسیار شهرت داشت. این موارد از آنجا صادر می‌گشت (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۷۷). تولید پارچه‌های ملحم مرغوب نیز در مرو صورت می‌گرفت و صادر می‌شد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۷-۸۸).

هیرات از انبارهای مهم کالا در خراسان به شمار می‌رفت، تولیداتی نظیر انواع پارچه‌های مرغوب، دیبا و غلات را داشت و دیبای آن بسیار مشهور بود (مقدسی، ۱۳۹۶: ۴۷۵). سرخس از مراکز تولید و پرورش چهارپایان بود و تجارت برده در آرواج داشت (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۸۷). بخارا از مراکز بافندگی بود و خوارزم و اطراف آن پوست تجارت می‌شد و سمرقند تولیدکننده نوعی لباس زرباف و نقره‌باف بود، در آن ظروف مختلف و دیگر کالاها نیز تولید می‌شد است (مقدسی، ۱۳۹۶: ۴۷۷-۴۷۶).

تجارت و تولید زین و ابزارهای مربوط به این مهم، در چاچ و طوس رونق داشتند. همچنین چاچ از مراکز تولید تکه‌دوزی و پرده‌دوزی بود، اسپيجاب و فرغانه تجارت برده داشتند (همان، ۴۷۷).

توليدات و فعاليت‌های اقتصادی در نواحی دیلمان، طبرستان، گرگان، قومس و ری نیز به همین منوال بودند. شهر ری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ممالک اسلامی، دارای بازارهای بزرگ و آباد بود، بزرگ‌ترین و آبادترین بازار آن که مکان تجمع بازرگانان بود، روزه نام داشت (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۱۷). ری به دلیل قرار گرفتن در مرکز جاده خراسان و موقعیت ممتاز جغرافیایی، انبار کالاهای ارمنیه، آذربایجان، خراسان، خزر و بلاد دیگر بود و از این ناحیه کالاها به دیگر مناطق منتقل می‌گشت (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۰۷). این مهم نشانگر آن است که وضعیت بازرگانان و تاجران در ری نیز مشابه وضع بازرگانان و تجار در خراسان است. آنان در آنجا نیز دارای بازارها و انبارهای شخصی و مختص به خود بودند، و از طرفی اهمیت ری در ترانزیت کالاها و دیگر موارد در میان ممالک اسلامی و جهان قدیم را مشخص می‌گردد.

توليدات و فرآورده‌های بومی در ری شرایط مساعد رشد و توسعه اقتصادی این

ناحیه را خبر می‌دهد. در ری محصولات چوب پنبه، عناب، انگور در بخش فرآورده‌های تره‌بار تولید می‌گشت و نیز در آن کارگاه‌های تولید پارچه‌های پنبه‌ای و پرده‌های نفیس وجود داشت که آنان را به دیگر شهرها صادر می‌کردند (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۱۸). همچنین نوعی پارچه دو لایه مشهور به منیر و انواع ظروف و سوزن جوالدوزی و شانه نیز از تولیدات شهر ری بود (مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۹۲)، ابزارهای بسیار که از چوب ساخته می‌شد و نیز تولید انواع سینی‌های رنگ و روغنی در آنجا رواج داشت، در ری حریر و انواع جامه‌های نیکو نیز تولید می‌شده است (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۶).

در ایالت قومن جامه‌های فاخر تولید می‌کردند (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۱۹؛ مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۴۳). همچنین پرورش و تولید چهارپایان در آن رواج داشت و از قبل آن فرآورده‌های پشمی به دست می‌آمد (همان، ۵۱۸). بیار از نواحی قومن از مراکز تولید روغن و پرورش دام‌هایی چون شتر و گوسفند بود (همان، ۵۲۲) و بسطام دارای میوه‌های مرغوب بود که به عراق صادر می‌شدند (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۱۹).

قزوین تولیداتی نظیر انواع جامه‌های خوب، مویز و لوز را داشت و به جاهای دیگر صادر می‌کرد (همان، ۲۱۹). همچنین کمان‌های معروفی در قزوین تولید می‌شد که شهرت داشتند و از کیفیت خوبی برخوردار بودند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۹۲). در ابهر و زنجان غلات و میوه فراوان به دست می‌آمد و در این زمینه از مراکز فراوانی بود (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۱۹).

تمام شهرهای واقع در طبرستان مشغول تولید ابریشم بودند، طبرستان از مراکز تولید این محصول به شمار می‌آمد و آن را به تمام مناطق صادر می‌کردند و نیز از دیگر محصولات صادراتی آن چوب و الوار بود، به همراه جامه‌ها و پارچه‌های ابریشمی (همان، ۲۲۰). یکی از مهم‌ترین مراکز تولید ابریشم و جامه‌های ابریشمی در طبرستان، جرجان و استرآباد بود، استرآباد در خصوص این مهم جایگاه نخست را داشت و اهمیت آن بسیار بود (همان، ۲۲۱؛ مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۲۵).

گرگان، محصولات نظیر، خرما، ترنج، زیتون، انجیر و عناب را تولید می‌کرد، طبرستان و مناطق آن همه در تولید ابریشم، غلات، کتان فعال بودند و نیز صید ماهی (همان، ۵۱۹). جامه‌هایی که در دیلم، طبرستان و قزوین تولید می‌گشت، جامه‌های

رویانی و آملی، دستارهای ابریشمی، انواع جامه‌های پنبه‌ای، پشمی، ابریشمی و کتانی بود. در گرگان که مراکز بزرگ تولید ابریشم چون استرآباد در آن واقع بودند، تولید جامه‌های ابریشمی، دیبا، پرده‌ها و ... رواج داشتند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۷؛ مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۲۷-۵۲۶ و ۵۴۳).

تجارت و بازرگانی در اران، شروان، آذربایجان و ارمنیه جریان خود را داشت، در مناطق مذکور فراوانی میوه و غلات بسیار بود، در اران شهر باب‌الابواب (دربند) کنار دریای خزر تولیداتی چون ابریشم و پارچه‌های کتان، برده، زعفران و پرورش چهارپایان را داشت. در دیبیل ارمنیه تولید پارچه‌های پشمین، انواع فرش، پرورش چهارپایان و استرهای مرغوب وجود داشت. این موارد در غالب مناطق مذکور تولید می‌شدند (همان، ۵۶۴-۵۶۵؛ اصطخری، ۱۳۹۷: ۱۸۸-۱۹۲). معادن نفت سبز و سپید در باب‌الابواب (دربند) و باکو نیز مورد استفاده بود (همان، ۱۹۴).

در جبال، شهر همدان و اطرافش کارگاه‌های تولید پارچه فعال بودند، تولید زعفران، اسپید روی، روباه، سمور، پوتین، پنیر، طبلسان‌های مرغوب و جامه‌های عالی نیز رونق داشت و آنها را صادر می‌نمودند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۹۲). همچنین انواع آینه، کفچه خوان، بخوردان و طبل‌های مذهب در همدان تولید می‌گشته است (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۶). قم مرکز تولید کرسی‌های مرغوب بود و نیز لگام، رکاب، پارچه، زعفران نیز در آن تولید می‌شد (مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۹۲).

اصفهان تولیداتی نظیر انواع زینت‌آلات، قفل‌های خوب، گوشت نمک‌سود، فرآورده‌های لبنی را دارا بود (همان، همانجا)، همچنین در اصفهان پارچه‌های ابریشمی، میوه‌های مرغوب به صورت انبوه، زعفران تولید می‌شد و به دیگر نواحی صادر می‌گشت (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۰۶). در خصوص بافت جامه‌ها و پارچه‌های گوناگون نیز در اصفهان فعالیت‌های گسترده‌ای صورت می‌گرفت، انواع جامه‌های مروی، عتابی، سعیدی، پارچه‌های ملحم و حله‌های ابریشمی در آن تولید می‌شدند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۶-۸۷). کاشان نیز در تولید قمقمه فعال بود (مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۹۲). معادن مورد استفاده در جبال، معدن آهن به طبرم، معدن سرمه در مرز اصفهان و فارس، معدن سرمه، زاج در دماوند بودند. غالب فرآورده‌های لبنی جبال به عراق صادر می‌گشته است (اصطخری،

۱۳۹۷: ۲۱۲-۲۱۱).

فارس و نواحی آن از مهم‌ترین تولیدکنندگان انواع کالاهای و محصولات بودند، در ارجان انواع میوه‌ها تولید می‌گشت و انبار فارس و عراق به شمار می‌آمد، بارانداز خوزستان و اصفهان بود و بازارهای بزرگ در آن وجود داشت، بزرگ‌ترین بازار آن، بازار بزازان و بازار گندم‌فروشان بود. آنچه ارجان به دیگر مناطق صادر می‌نمود از محصولات بومی خود، صابون، انجیر، زیت، پارچه ضد باریک، بر بهار، مهربان، ماهی، خرما و خیک‌های مرغوب بود (مقدسی، ۱۳۹۶: ۶۳۴ و ۶۵۷).

سیراف که تا قبل از ویرانی در پی زلزله (۳۶۶-۳۶۷ ه.ق) مهم‌ترین بندر دریا فارس به شمار می‌رفت، روزگاری انبار فارس و خراسان دانسته می‌شد. پس از ویرانی آن اهمیت به دریای عمان داده شده و نیز «سورو» در مرز کرمان و فارس جای آن را گرفت و کالاهای عمان به آنجا منتقل و از آنجا به کرمان و خراسان ارسال می‌گشته است (همان، ۶۳۸ و ۶۳۶).

خود سیراف تولیدکننده بالاپوش، لؤلؤ، لنگ‌های کتانی، ترازو و بر بهار بود (همان، ۶۵۸). اما دیگر محصولاتی که از بندر سیراف به نواحی دیگر می‌رفت همه کالاهایی بود که غالب آنان از هند و چین به آنجا منتقل می‌گشت و از آنجا به ممالک اسلامی صادر می‌شد (اصطخری، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

دارابگرد کان مومیا را استخراج می‌شد و برای دربارها ارسال می‌نمودند، در شاپور انواع روغن، نیشکر، زیتون، انگور و فرآورده‌های لبنی تولید می‌شد، در کازرون پارچه‌ها کتاتی تولید و صادر می‌گشت. در استخر فارس حبوبات و غلات تولید می‌گشت (مقدسی، ۱۳۹۶: ۶۳۸ الی ۶۴۹). همچنین در ناحیه سینیز پارچه‌های شبیه قصب و کتان تولید می‌شد، به اضافه مومیا در دارابگرد اشیاء نفیس، انواع پارچه، حصیر، فرش‌های مرغوب، پرده، تخمه‌های مختلف، خرما، دوشاب، زنبق تولید می‌شد، در فرج، پارچه، فرش، پرده، شیره خوب، تخمه و کتان تولید می‌کردند، تارم تولیداتی چون، دوشاب، خرما، خیک، روفرشی، دلوه‌های خوب، بادبزن‌های بزرگ را داشت، و شیراز از مراکز تولید پوشاک، پارچه‌های دو نیمه بافت، بَرَد، خز، دیبا، قصب و زینت‌آلات بود، فسا، پارچه‌های ابریشمی، جامه‌های نازک، فرش، بسامد، فوطه (ضد باریک)، پارچه‌های دو

نیمه بافت، روپوش، پرده‌های هشت خانه، فرش، پرده‌های ابریشمی، برگ خسک، سفره‌ها، خرگاه‌ها، مندیل‌های شرابی و ... تولید می‌کرد. در جهرم، بساط، پرده، فرش‌های محکم تولید می‌شد و شاپور در فارس از مراکز تولید انواع روغن بود و تولیداتی نظیر، میوه، نیشکر را داشت، در کازرون پارچه‌های قصب، دبیت و مندیل مخملی تولید می‌شد و استخر مرکز تولید غلات و مهمتر از آن چرم‌های مرغوب و خیک و کفش\* بود (همان، ۶۵۷-۶۵۹؛ اصطخری، ۱۳۹۷: ۱۴۳-۱۴۷). از دیگر کالاهای تولیدی در فارس، ساخت و تولید ابزارهای آهنین ظریف و محکم و تولید انواع جامه‌های گلاب و گل حمام سیرافی بود (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۷).

خوزستان نیز در تولید ثروت سهمیم بود، و به دلیل نزدیکی به فارس و بصره جایگاه ممتازی را به دست آورده بود. شوش در خوزستان از مراکز تولید نیشکر قلمداد می‌شد (مقدسی، ۱۳۹۶: ۶۰۹). کلاها و محصولات از قبیل خز، جامه‌های ابریشمی نیز در آن تولید می‌گشت (اصطخری، ۱۳۹۷: ۸۲). در بصناً زنان و مردان مشغول فرش‌بافی بودند، و نیز به اضافه تولید فرش از مراکز پشم‌ریسی نیز به شمار می‌آمد، و نیز پرده‌های مرغوبی در آنجا تولید می‌کردند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۶۰۹-۶۱۰ و ۶۲۲؛ اصطخری، ۱۳۹۷: ۸۲).

جندی‌شاپور در تولید نیشکر مرغوب سرآمد بود و آن را به خراسان و عراق عجم صادر می‌کرد. کارگاه‌های بافندگی بسیاری در آن فعال بودند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۶۱۰-۶۱۱). جامه‌های تولیدشده توسط این کارگاه‌ها به بغداد صادر می‌گشتند (اصطخری، ۱۳۹۷: ۸۳). لرهای ساکن در کوهستان کارگاه‌های بافندگی داشتند و محصولات پشمی تولید می‌کردند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۶۱۱). ماهرترین بافندگان پارچه‌های پنبه‌ای، دیبا و مقنعه ابریشمی در خوزستان اهل شوشتر و عسکر مکرم بودند و کالاهای خود را در کارگاه تولید می‌کردند و نیز میوه‌هایی چون انار، گلابی و انگور در آن به خوبی به دست می‌آمد، دیبای شوشتر و عسکر به مصر و شام صادر می‌گشته است. جامه کعبه را نیز از آنجا تهیه می‌کردند (همان، ۶۱۱-۶۱۲ و اصطخری، ۱۳۹۷: ۸۲). اهواز انبار کالاهای بصره و بارانداز فارس و اصفهان بود و بازرگانان بسیار در آنجا چون شهرهای هرات و بلخ در خراسان و ارجان در فارس آمد و شد می‌کردند و انبارها و بازار

اختصاصی داشتند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۶۱۳). رامهرمز نیز از مراکز تولید جامه‌های ابریشمی در خوزستان به شمار می‌آمد (اصطخری، ۱۳۹۷: ۸۲).

کرمان در تجارت و بازرگانی و همچنین از جهت موقعیت جغرافیایی، از شرایط خوبی برخوردار بود، به ویژه پس از ویران شدن بندر سیراف در سال ۳۶۷ هـ. ق. کرمان از تأمین‌کنندگان خرمای خراسان و فارس به شمار می‌رفت، همچنین در شهر بم و پیرامون آن کالاها و محصولات نظیر، عمامه، مندیل، طیلسان، پارچه‌های مرغوب تولید و صادر می‌گشت. در سیرجان نیز کارگاه‌های بافندگی فعال بودند و پارچه‌های خوب را تولید می‌نمودند، کرسی نیز در آن تولید می‌شد که به خوبی کرسی‌های قم نبودند. از جیرفت زیره مرغوب صادر می‌شد، از نرماشیر بر بهار به دست می‌آمد، و این دو جا، پالیز، دوشاب و ناطف نیز داشتند و توتیای مرغوبی نیز از آنجا صادر می‌شد (مقدسی، ۱۳۹۶: ۹۳). نرماشیر کرمان انبار کالاهای عمان و تمام خرمای کرمان بود و از آنجا به دیگر نواحی کالاها و خرما صادر می‌شده است (همان، ۶۸۴-۶۸۵). هرگز از مراکز تجمع بازرگانان سند بود و آنان در آنجا پایگاه داشتند (جیهانی، ۱۳۶۸: ۵۸). معادن واقع در کرمان که مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند، معادن طلا و نقره، آهن، مس، روی و نوشادر بوده است (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۲۰).

قهبستان باتوجه به قرار گرفتن در میان کرمان و سیستان و هرات، از شاهراه‌های تجاری تأثیرپذیر بود و اهمیت زیادی داشت، کالاها و محصولات بومی آن، عناب و خرما بود، در قاین کارگاه‌های تولید پارچه وجود داشت و قاین از انبارهای کرمان و خراسان به شمار می‌آمد، همچنین، قاین و کاشمر از جمله باراندازهای کرمان به حساب می‌آمدند. در «تون» غالب مردمان مشغول به پشم‌ریسی بودند، طبس مسینا عناب تولید می‌کرد، در کلیت امر، قهبستان بیشتر تحت تأثیر گردش اقتصادی و جریان‌های اقتصادی کرمان و نواحی شمالی خراسان و ماورالنهر بود (مقدسی، ۱۳۹۶: ۴۳۷-۴۳۸ و ۴۷۱-۴۷۰).

سیستان از مراکز تولید غلات و میوه بود (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۳) و نیز در آن مشربه‌های مرغوب کوزه و انواع ابزارها تولید می‌شد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۷). بُست مرکز تجمع بازرگانان سند و هند و انبار کالاهای آنان بود و از جایگاه رفیع در سیستان باب

بازرگانی و تجارت برخوردار بود و کالاهای بسیار از آنجا به دیگر جاها صادر می‌شدند (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۴؛ اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۵۹). یمن، عمان و حجاز از دیرباز انبار کالاهای هند، چین و زنگبار بوده و از موقعیت ممتازی جهت بازرگانی و تجارت برخوردار بودند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۱۳۷-۱۳۸). در یمن غیر از کالاهای هند و چینی و زنگباری، حله‌های مرغوب و مشهور به یمنی تولید می‌شد و نیز جامه‌های سعیدی، عدنی و اسپرک، کندر، شمشیر یمانی و همچنین اسب‌های مشهور به مهری در آنجا پرورش داده می‌شدند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۴).

عراق عرب با حضور بغداد قلب تجارت و اقتصاد ممالک اسلامی به شمار می‌رفت و دارای تولیدات بومی نیز بود، بصره که خود انبار کالا در عراق بود و بندری آباد، کارگاه‌های مختلفی جهت صنایع گوناگون داشت، خرما، حنا، خز، گلاب و بنفشه از آنجا صادر می‌شد. در ابله پارچه کتان، پارچه قصب تولید می‌گردید، در کوفه دستار خز، بنفشه، پارچه، جامه وشی، خرما، مرغوب، میوه و روغن تولید می‌شد. بغداد از مهم‌ترین مراکز تولید انواع پوشاک ابریشمی بود، حصیرهای زیبا، ظروف چوبی، ظروف سنگی، چرم سیاه و سرخ نیز از دیگر محصولات و کالاهایی بودند که در آن تولید می‌شدند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۱۷۸-۱۷۹؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۴).

موصل محصولات نظیر حبوبات، عسل، نمک‌سود، ذغال، پیه، پنیر، من، سماق، ناردانه، قیر، آهن، سطل، چاقو، فلاخن، ماهی طریخ و زنجیر را تولید می‌کرد و به دیگر نواحی صادر می‌شدند. سنجان تولیداتی نظیر، بادام، ناردانه، نی و سماق را داشت و نصیبین شاه بلوط، انواع خشکبار و ترازو، دوات و کوزه تولید می‌شد. در رقه صابون، زیت، قلم تولید می‌گشت و در حران شیرینی از عسل، پنبه و ترازو و همچنین در جزیره اسب عربی پرورش داده می‌شد. محصولات چون، گردو، بادام و روغن تولید می‌شدند. حسنیه تولیداتی نظیر پنبه، ماست و خشکبار را داشت و در آن کبک و انواع جوجه‌ها پرورش داده می‌شد. معلثایا تولیدکننده شیر، ذغال، انگور، کنجد، تناب و نمک‌سود بود، بلده تولیدکننده سرشیر، در دیگ، در کپه، و رحبه گلابی تولید می‌کردند و در «آمد» پارچه‌های پشمین و کتان رومی تولید می‌شدند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۲۰۳-۲۰۴). در سامرا نیز نوعی کاغذ نامرغوب تولید می‌شد، در بیشتر نواحی عراق تولیداتی

نظیر انواع پرده، فرش، جامه میسانی، حریر صورت می‌گرفت و بخشی از فعالیت‌های اقتصادی شهرها و روستاهای آن سامان بود (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۵).

شامات و تولیدات آن و نواحی آن، در فلسطین روغن زیتون، غلات، مویز، پارچه ملاحم، صابون، لنگ، پنیر، پنبه، سیب، موز، خرما، آینه، دیگ، قندیل و سوزن تولید می‌شد. در عمان تولید حبوبات، پرورش دام و عسل رونق داشت، در طبریه قالیچه و پارچه تولید می‌کردند. در بیت المقدس انواع پارچه‌های گلدوزی، بلعیسی و تناب را تولید می‌نمودند. در صور شکر، مهره و شیشه‌های تراش‌خورده تولید می‌شد، دمشق تولیداتی نظیر مربا، پارچه‌های بلعیسی، دیباج، روغن بنفشه، محصولات مسین و کاغذ را داشت. در حلب پنبه، پارچه، اشنان، خاک سرخ و در بعلبک فرآورده‌های لبنی و در تمام نواحی شام انواع میوه به صورت مرغوب تولید می‌شدند و شهرت داشتند (مقدسی، ۱۳۹۶: ۲۵۳-۲۵۵).

با توجه به حجم محصولات و کالاهایی که تولید می‌شده است در نواحی و مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی که در گزارشات جغرافیایی قرن چهارم شاهدشان هستیم، و حجم انبارهای حیاتی، مهم و تأثیرگذاری چون بلخ و هرات در خراسان، ارجان و سورو در فارس و کرمان و نیز بصره در عراق عرب و شامات و ...، این مهم بر ما خاطرنشان می‌شود که باید دریابیم روندی که در جهت رشد و تولید و رونق اقتصادی این شهرهای کهن برای قرن‌ها دنبال می‌شده، در قرن پنجم و ششم نیز همچنان به حیات خود ادامه داده است یا خیر، مناطقی چون سیراف در فارس جایگاه خود را به بنادر مکران و عمان داد، یا برخی نقاط دیگر نیز جایگاهشان به شهرهای دیگر تعلق گرفت، اما نکته‌ای که در این گزارشات اهمیت دارد آن است که نشان می‌دهد سلجوقیان بر چه حجم ابزار و امکانات اقتصادی و بازرگانی مسلط شده‌اند و حال در ادامه مشخص می‌شود که آیا آنان از این امکانات و ظرفیت‌ها استفاده کرده‌اند؟ و آیا آنان را توسعه بخشیدند؟ منظور از استفاده همان رونق بخشیدن به زندگی شهری، تأسیس بناهایی در این راستا، امکانات بین راهی و راه‌ها است و ...، به نظر میرسد درک این مهم مستلزم آن است که اقدامات سلجوقیان را پس از پیروزی و در طول دوران حکومتشان در قبل شهرها و نواحی مختلف مطالعه و بررسی نمایم.

### ۳. بناهای اقتصادی - وضعیت اقتصادی سلجوقیان



پس از نبرد دندانقان میان سلجوقیان و غزنویان در سال ۴۳۱ هـ.ق، خراسان به صورت رسمی تحت تسلط و تملک سلجوقیان درآمد و مرو و نیشابور را چغری داوود و طغرل بیگ به مرکزیت فتوحات آغازین خود در این نواحی انتخاب نمودند. پس از اتمام کارهای خراسان طغرل به سمت غرب حرکت نمود برای تکمیل فتوحات خود و برادرزادگان او نیز به مناطق جنوبی رهسپار شدند (آژند، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۶).

تأسیسات اقتصادی در این دوران همراه با اهدافی کلان‌تر هم‌گام هستند که این مهم به صورت واضح برش اشاره‌ای نشده است. بلکه در خلال گزارشات کلی باید آن را رصد نمود و استخراج کرد. طغرل بیگ (۴۳۱-۴۵۵ هـ.ق) و چغری داوود، از همان آغاز حضورشان در عرصه قدرت و نشستن بر اریکه سلطنت متوجه آبادانی شهرها و راه‌ها و روستاها بودند، مشاوران آنان نیز این مهم را به آنان جهت دوام سلطنت گوشزد می‌نمودند، با توجه به موقعیت مرو که آنان در سال ۴۲۸ هـ.ق بر آن مسلط شدند می‌توان این مهم را فهم نمود. چغری در همان ابتدا فرمان برای بازسازی شهر صادر می‌نماید و نیز جهت آباد کردن مزارع آن دیار نیز اقداماتی انجام می‌دهد (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۲۲۰۵؛ میرخواند، ۱۳۸۵، ج ۶: ۳۱۳۸-۳۱۳۷). این اقدام از جانب چغری نشان می‌دهد مرو نیاز به بازسازی داشته و سلجوقیان متوجه نیاز به رونق شهرها و نواحی آن بودند، و همچنین اهمیت اقتصادی مرو را درک میکردند.

در پی ادامه فتوحات طغرل به سمت غرب، توجه طغرل بیگ در امر سامان دادن به ری و بازسازی و مرمت ویرانی‌های آن قابل تامل است. او در سال ۴۳۴ هـ.ق فرامینی جهت اقداماتی در خصوص بازسازی ری صادر نمود (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۵۷۵۲؛ ابن خلدون، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۰). امیر ابوالفضل عراقی از امرای طغرل در همین سال‌ها باروی شهر ری و قم را بازسازی می‌کند (رازی قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۱۹). موقعیت شهر ری و اهمیت آن هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی مسئله روشنی برای سلطان سلجوقی بود و نیز مشخص است که در سال ورود طغرل به ری، شهر ویران بوده و نیاز به بازسازی داشته است.

اصفهان نیز پس از تصرف مورد توجه و عنایت قرار گرفت و طغرل در آن دیار و به ویژه شهر اصفهان مبالغی بالغ بر پانصد هزار دینار خرج نمود، جهت نوسازی و

بازسازی شهر (مافرخی، ۱۳۲۸: ۹۶-۹۷). توصیفات ناصر خسرو از مشاهدات شخصیش در سال ۴۴۴ هـ. ق از اصفهان و وضعیت امکانات تجاری و بازرگانی آن شهر و نیز بازارهای آن گواه اقدامات سلجوقیان جهت رشد و توسعه شهر و مراکز اقتصادی، از همان آغاز است (ناصر خسرو، ۱۳۹۳: ۱۳۷-۱۳۸).

اقدامات طغرل سلجوقی در بغداد، جان دوباره به این شهر بخشید، و موجبات توسعه شهر و زندگی شهری و روستایی بغداد گشت. در سال ۴۵۲ هـ. ق فرمان به بازسازی دو سمت غربی و شرقی بغداد را می‌دهد و هزاران دنیار برای آن صرف می‌کند (سبط بن الجوزی، ۱۴۳۴، ج ۱۹: ۱۰۹؛ ابن الجوزی، ۱۴۱۵، ج ۱۶: ۶۲). در گزارشات مقدسی از قرن چهارم، مشخص می‌شود که قسمت‌های زیادی از بغداد آباد نبود و بخش‌هایی از آن رو به ویرانی نهاده بود (مقدسی، ۱۳۹۶: ۱۶۶). با توجه به نوسازی و مرمت بغداد، رونق اقتصادی نیز پدیدار گشت و جان تازه‌ای را به خود گرفته، که می‌توان این مهم را در قیاس و گزارشات از این دست استخراج نمود.

طغرل در سال مذکور فرمان به بازسازی دارالحکومه بغداد، و تأسیس بازار این محله را می‌دهد (بنداری اصفهانی، تاریخ سلسله سلجوقی، ۱۳۵۶: ۱۲؛ سبط بن الجوزی، ۱۴۳۴، ج ۱۸: ۴۹۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۵۸۵۵). به همین ترتیب واسط در عراق نیز به فرمان او بازسازی می‌شود و رونق می‌یابد (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۳۳۰).

در طول دوران ۱۰ ساله حکومت آلپ ارسلان (۴۶۵-۴۵۵ هـ. ق) با آن که او هرگز به بغداد پا نگذاشت، در سال ۴۵۸ هـ. ق مکشاه فرزند ارشدش را به بغداد گسیل نمود جهت رسیدگی به ساخت و سازهای دارالحکومه (خوافی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۶۴۶). اقدامات خواجه در بغداد جهت تأسیس مدرسه نظامیه نیز از همین سالها آغاز می‌شود، از نظر اقدامات سلجوقیان در خصوص تأسیس بناهای اقتصادی اهمیت مدارس نظامیه و به ویژه نظامیه بغداد، در اوقاف آن تبلور می‌یابد، نظامیه بغداد در سال ۴۵۷ هـ. ق به دستور خواجه نظام الملک (۴۸۵-۴۱۰ هـ. ق) فرمان ساخت و احداثش صادر گشت، و در سال ۴۵۹ هـ. ق، ساخت مدرسه اتمام یافت (ابن اثیر، ۱۳۸۸، ج ۱۴: ۵۹۴۳ و ۵۹۳۶؛ ابن الجوزی، ۱۴۱۵، ج ۱۶: ۹۱؛ سبط بن الجوزی، ۱۴۳۴، ج ۱۹: ۱۷۷-۱۷۸). اوقافی که خواجه نظام الملک برای مدرسه در نظر گرفت، بازار، زمین‌های زراعی، کاروانسراها،

حمام‌ها و رباط‌ها بود (همان، ج ۱۹: ۲۲۱؛ ابن الجوزی، ۱۴۱۵، ج ۱۶: ۱۱۷). اهمیت این اوقاف در آن است که می‌توان آن را تعمیم به سایر مدرسه‌ها و بناهای وقفی در این دوران نیز داد. بنابراین رابطه تنگاتنگ وقف و حیات اقتصادی شهر در دوران سلجوقی واضح‌تر می‌شود و می‌توان درک بهتری از تأسیسات عام‌المنفعه آن دوران و رابطه آن با رونق اقتصادی را به دست آورد.

خراسان و خوارزم نیز ویرانی‌هایش به فرمان آلپ ارسلان در سال ۴۵۸ هـ. ق، بازسازی شدند (میرخواند، ۱۳۸۵، ج ۶: ۳۱۶۸). در سال ۴۶۴ هـ. ق به فرمان او شادیاخ نیشابور نیز بازسازی شد و رونق یافت (حفاظ ابرو، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۲۸). باروی شهر بیهق را نیز به سال ۴۶۴ هـ. ق خواجه نظام الملک بازسازی نمود (ابن فندق، ۱۳۹۶: ۹۱).

دستور به بازسازی و آباد کردن مناطق خوارزم و خراسان و بازسازی شادیاخ خبر از ویرانی‌هایی می‌دهد که در پی هرج و مرج و جنگ‌ها رخ داده بود، و نشانگر آن است که شرایط ویرانی‌ها بر اوضاع اقتصادی خوارزم و خراسان تأثیرگذار بوده است و اهمیت این مناطق نیز از نظر اقتصادی برای دولت سلجوقی و مسئله تجارت و بازرگانی و نیازهای تجار و بازار روشن بوده است. بنابراین فرمان به بازسازی ویرانی‌ها نشان از حیات بخشیدن به اوضاع زندگی مردمان در این نواحی و آبادی سرزمین‌ها در جهت بهبود شرایط اقتصادی دولت سلجوقی است.

شرایط کرمان سلجوقی نیز در این ایام گواه رونق شهر و شهرنشینی است، و هم‌گام با آن با تأسیس بناهای اقتصادی در خلال توسعه فضاهای کالبدی شهر، اقداماتی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی آن صورت گرفت. اقدامات قاوورد بن چغری داوود (۴۶۵-۴۴۰ هـ. ق) در کرمان از این دست بود که می‌توان آنها را به صورت کلی در تأسیس ربض شهر کرمان (حامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۴-۳؛ خیصی، ۱۳۸۶: ۳۲۵-۳۲۶). ایجاد در بند و برقراری امنیت بر مسیرهای تجاری کرمان به سیستان، احداث میل‌ها در مسیرهای تجاری جهت راهنمایی کاروانان و امنیت مسیرها، تأسیس کاروانسراها و آب‌انبار و حوضچه‌های آب در مسیرها و نیز حفر چاه در جاده‌ها برای کاروان‌های تجاری و مسافران، برشمارد (همان، ۳۴۱-۳۴۲؛ حامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۰).

تأسیس امکانات اقتصادی در قالب اماکن مربوط به آن، چه در قالب‌های شهری و خارج آن، نیاز اساسی برای بهبود شرایط اقتصادی خود دولت بود، و سلجوقیان بر اساس آنچه که در گزارشات تاریخی منعکس شده است این مهم را از آغاز دنبال نمودند، اهمیت اقتصادی کرمان و بنادر آن چیزی بود که به خوبی آنان از آن مطلع بودند و اقداماتی جهت ارتقاء و اصلاح آن به صورت جدی انجام دادند.

دوران فرمانروایی ملکشاه (۴۸۵-۴۶۵ هـ. ق) دوران اوج‌گیری تأسیس بناهای اقتصادی و مهم‌تر از آن رونق اقتصادی در ممالک تحت تصرف آنان است، هرچند اقدامات سلطان سلجوقی به صورت واضح در منابع منعکس نشده است، اما در کلیاتی که ارائه شده این مهم مشهود و قابل فهم است، بازسازی قلعه ترمذ در ماوراءالنهر به سال ۴۶۶ هـ. ق (تنوی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۴۲۳). آبرسانی به نجف در عراق عرب (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۱۶: ۲۵۹).

دستور به بازسازی انطاکیه در سال ۴۸۴ هـ. ق (ابن اثیر، ۱۳۸۸، ج ۱۴: ۶۱۰۱) و کارهای خیرانه او در مسیر کاروان‌های حج (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۱۰۳-۱۰۴؛ مستوفی، ۱۳۹۴: ۴۳۵). بازسازی بارو شهر مرو در خراسان (مستوفی، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۷). ساخت و سازهای او به اصفهان که گاه با عنوان شهرسازی ملکشاه در اصفهان یاد می‌شود (راوندی، ۱۳۸۶: ۱۳۲؛ اهری نجم، ۱۳۸۹: ۱۷۲) و ساخت پل‌ها و کاروانسراها بی‌شمار در زمان او و برانداختن عوارض واردات به شهرها و نیز آباد کردن واحه‌ها و مزارع (ابن اثیر، ۱۳۸۸، ج ۱۴: ۶۱۱۵-۶۱۱۶؛ حسینی یزدی، ۱۳۸۸: ۵۶)، که همگی از آبادانی ممالک و شهرها خبر می‌دهند، و جهت فهم وضعیت اقتصادی این دوران گواه شرایط خوب توسعه شهرها و شهرنشینی و نیز آبادی روستاها است که در خلال آن وضعیت اقتصادی نیز خود را نمایان می‌سازد.

در زمان ملکشاه توسعه محله یا شهر دارالحکومه در بغداد ادامه یافت و او دستوراتی را جهت توسعه بخش‌های گوناگون از جمله توسعه بازار آن در سال ۴۸۴-۴۸۵ هـ. ق صادر نمود، در ساخت بازار دارالحکومه و دیگر بخش‌ها از چوب‌های جامع شهر سامرا استفاده نمودند، و ترکان خاتون زوجه سلطان نیز در این سال ضرابخانه در بغداد تأسیس نمود (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۱۶: ۲۹۸).

هم‌گام با ملک‌شاه، کارگزاران نظامی و دیوانی نیز در جهت بهبود وضعیت اقتصادی شهرها و نواحی در تلاش بودن. خواجه نظام‌الملک در این خصوص بسیار کوشا بود. بازارهای زیادی را در شهرهای مختلف تأسیس نمود (مافرخی، ۱۳۲۸: ۱۴۳). خمار تکین از ممالیک تتش بن آلپ ارسلان (متوفی ۴۸۸ه.ق) رباطی میان خار و ری احداث نمود، و در بغداد بازار عَقَّار نثشی را احداث کرد (حموی، ۱۳۸۰، ج ۱، بخش دوم: ۷۰۹). سلیمان بن قتلش پس از تصرف انطاکیه در سال ۴۷۷ ه.ق. ویرانه‌های آن را بازسازی نمود و آن را پر رونق کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۸، ج ۱۴: ۶۰۳۳).

همچنین باروی شهر موصل در زمان ملک‌شاه توسط شرف‌الدوله مسلم بن قریش ساخته شد (ابن خلکان، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۹۳) و نیز ابومنصور کنتکین امیر سلجوقی کوفه (متوفی ۴۷۹ه.ق) راه‌های مکه و مدینه را اصلاح نمود (سبط بن جوزی، ۱۴۳۴؛ ج ۱۹: ۴۰۹). امیر ساوتکین نیز در زمان ملک‌شاه در سال ۴۷۹ ه.ق. شهر علقمه را بازسازی کرد (بنداری، ۱۳۵۶: ۸۷).

یکی از موارد جالب توجه مربوط به دوران فرمانروای ملک‌شاه که می‌توان آن را نمونه‌ای قرار داد جهت درک بهتر شرایط اوقاف شهری و غیرشهری در راستای تأسیسات عام‌المنفعه و تأثیر آن را بر اقتصاد و شرایط زندگی اجتماعی مردم فهم نمود، احداث خانقاه توسط شیخ ابوسعید احمد بن محمد بن دوست نیشابوری در عراق عرب است، او پس از اخذ قطعه زمینی از خلیفه، خانقاهی را احداث می‌نماید و برای آن دکان‌ها، بازار و کاروانسرا و گرمابه نیز احداث می‌نماید (محمد بن منور، ۱۳۶۶، بخش اول: ۳۵۷-۳۵۸). می‌توان این مهم را الگوی دانست در ساخت بسیاری از رباط‌های خارج شهری و گاه داخل شهری.

تمامی ارکان دیوان‌سالاری سلجوقی که شامل نخبگان نظامی، نخبگان شهری و روستایی (وزیران و مدیران) و نخبگان دینی می‌شدند، هم‌گام با سیاست‌های کلان دولت سلجوقی در پیشبرد مقاصد آن دولت در تلاش بودند و هر کدام به نوعی در ساخت و سازهای شهری و غیرشهری دست داشتند، حال برخی از آنان اقداماتشان بنا بر مشهور بودن آنان گزارش شده است، و برخی بنا به دلایلی سقیم افتاده است، برای مثال در خلال اقدامات وزیر شرف‌الملک مستوفی (متوفی ۴۹۴ه.ق)، توصیف شده است

که او حجم زیادی رباط (کاروانسرا) در صحراها بنا نموده بود (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۱۷: ۷۲). این موارد بی‌شمار بوده و نشان از حجم امکانات بین‌راهی و نیز گاهاً شهری در این دوران به دست می‌دهد که نشان دهنده حجم تأسیس بناهای اقتصادی در این دوران است.

ولایت کرمان در خلال سال‌های ۴۷۷-۴۹۰ هـ. ق در دوران فرمانروای تورانشاه، نشان‌دهنده رشد و توسعه این منطقه در زمینه شهرنشینی و اقتصاد است. به نقل از منابع کرمان، بیرون شهر کرمان در زمان او ساخته شد و نیز رباط‌های زیادی در نواحی مختلف کرمان احداث گردید (حامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۸؛ خبیصی، ۱۳۸۶: ۳۶۷-۳۶۸). ربض احداث شده به دستور او یکی از آبادترین ربض‌های دوران خود یاد شده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۶).

وضعیت عراق عرب در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری قمری تحت تأثیر منازعات داخل سلجوقیان آشفته است و این برعکس شرایط کرمان می‌بود، اما پس از آنکه اوضاع آرام گرفت، با روی کار آمدن سلطان محمد بن ملکشاه (۴۹۸-۵۱۱ هـ. ق) شاهد ثبات در عراقین و خراسان هستیم، در سال ۴۹۹ هـ. ق در پی حملات قبایل عرب ربیعه و منتفق به بصره، ویرانی عظیمی در این شهر پدیدار شد. سلطان محمد پس از دریافت اخبار این حوادث دستور به بازسازی و نوسازی بصره می‌دهد و مجدد بصره را می‌سازند (تتوی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۷۰۰-۲۷۰۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۸، ج ۱۴: ۶۳۰۹). با توجه به موقعیت تجاری-اقتصادی بصره که نقشی حیاتی در تأمین کالاها و محصولات عراق و شام داشت، سلطان سلجوقی به خوبی پی به اهمیت موضوع پی برده و اقدامات لازم را انجام می‌دهد. این موضوع اهمیتش را آشکار می‌سازد، وقتی که سلطان بصره را از سیف الدوله صدقه پس می‌گیرد و به عامل خود واگذار می‌کند (همان، همان جا؛ تتوی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۷۰۰-۲۷۰۱).

در دهه آخر قرن پنجم در سال ۴۹۵ هـ. ق در عراق عرب حله بنی مزید توسط سیف الدوله صدقه (۵۰۱-۴۷۹ هـ. ق) ساخته شد و پای بازرگانان بی‌شمار به آنجا باز شد و رونق یافت (یاقوت حموی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۱۹؛ یاقوت حموی، ۱۳۴۷: ۶۷). حله تبدیل به یکی از مراکز بازرگانی در عراق شد و اهمیت زیادی را کسب نمود.

در طول قرن ششم هجری قمری شهرها و راه‌های منتهی به خراسان تا شام و نیز مناطق جنوبی چون کرمان و فارس احیاء شدند، و از نظر اقتصادی برعکس شرایط سیاسی این قرن، ثباتی پدیدار شد. اقدامات سلاطین و امراء آنان و هم‌گام با آنان دیگر نخبگان دیوان‌سالار شرایط پایداری را پدیدار ساخته بود.

فارس با توجه به موقعیت ممتاز اقتصادی که داشت و نزدیکی آن به دریا، در طول قرن پنجم شهرهایش توسط شبانکاره‌ها رو به ویرانی نموده بود. در طول دوران امارت چاولی سقاوه حاکم سلجوقی بر فارس (۵۱۰-۵۰۶ ه.ق) اقداماتی جهت احیاء شهرها و روستاهای آن صورت گرفت. چاولی به اضافه ایجاد امنیت در فارس شهرهای فسا و نوبنجان را بازسازی نمود و مجدد رونق را به آنجا بازگردانید. چنان که در بخش جغرافیا اقتصادی ذکر شد، فسا از مراکز مهم تولیدات بومی فارس بود و اهمیت آن بسیار بوده است. اقدامات چاولی طبیعتاً تأثیر مثبتی در ادامه حیات اقتصادی این شهر و دیگر نواحی فارس داشته است (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۱۴۷؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۳۴). شهر شیراز نیز در قرن ششم با ساخت و سازهای زیادی جهت توسعه شهری روبه رو گردید که منتج به شکوفایی آن شد و رونق یافت (زرکوب، ۱۳۵۰: ۷۳-۷۲؛ حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۱۸۷)، از جمله حصار شهر در این دوره بازسازی و بنا گردید (جعفری، ۱۳۴۳: ۳۹).

کرمان نیز روند رو به رشدش ادامه یافت و در زمان فرمانروایی ملک ارسلان‌شاه (۵۳۶-۴۹۴ ه.ق) کرمان به اوج آبادانی خود دست پیدا کرد، ربض شهر کرمان توسعه یافت و به حومه‌های شهر متصل گشت (حامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۲؛ خبیصی، ۱۳۸۶: ۳۸۳). در زمان فرزند ملک ارسلان، ملک محمد نیز کاروانسراهای زیادی در بم، جیرفت و کرمان ساخته شد (همان، ۳۹۹؛ حامد کرمانی، ۱۳۳۶: ۲۷).

اتفاقی که برای کرمان در زمان سلجوقی رخداد به اضافه آن که تبدیل به پایگاه قاورد شاهیان شد، آن بود که کاملاً جایگاه تجاری و اقتصادی فارس را تصاحب نمود، دلیل اصلی آن هم ویرانی سیراف در سال ۳۶۷ ه.ق در پی زلزله بود. هرچند از همان زمان و در اواخر قرن چهارم بندر «سورو» جایگاه آن را به خود جلب نمود اما، در زمان سلجوقیان این مهم به صورت رسمی تثبیت شد و آن با تأسیس و رونق یافتن بندر شهر

تیز بود که تمام کالاهای هند، سند، زنگبار و چین را بدانجا انبار بود و مرکز تجمع بازرگانان هند و سند گردیده بود. پس از بندر شهر تیز، هرگز دیگر بندرگاه مهم گشته بود و همین مهم کرمان را از رونق سرشار اقتصادی بهره‌مند ساخت (ابوحامد کرمانی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۰-۱۴۱). همچنین کرمان از مراکز مهم تولید ابریشم گشت و بم مهم‌ترین شهر کرمان در زمینه تولید این محصول با کارگاه‌های فعال، بوده است (همان، ۱۴۲-۱۴۱).

در منطقه عراق عجم و جبال نیز در زمان سلجوقی شهرها رونق یافتند و سازندگی‌های بسیار شکل گرفت. اقدامات ابونصر احمد کاشی (متوفی ۵۲۱ هـ. ق) در ری و کاشان و دیگر نواحی نشان از این مهم است. او در ری دست به اصلاحات و بازسازی شهر می‌زند و مسیرهای منتهی به سپاهان را بازسازی می‌نماید و رباط دیر گچین را مرمت کرده و اوقافی برای آن قرار می‌دهد (ناصرالدین منشی، ۱۳۶۴: ۶۴-۶۵ و ۶۷-۶۸؛ عقیلی، ۱۳۳۷: ۲۴۹). حجم بازسازی‌هایی که در طول دوران فرمانروایی سلجوقیان صورت گرفته و نیز آبادسازی بسیاری از روستاها را می‌توان از یک نکته در اوقافی که ابونصر احمد کاشی (متوفی ۵۲۱ هـ. ق) برای دیرگچین قرار داده است درک نمود. او روستای کاج را از ورثه خواجه نظام الملک خریداری می‌نماید و وقف دیر می‌سازد (ناصرالدین منشی، ۱۳۶۴: ۶۷-۶۸)، در صورتی که در گزارش اصطخری در قرن چهارم از کاج، آن را ویرانه وصف می‌کند می‌گوید آباد نیست و خراب گشته (اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۴۲). این موضوع نشان می‌دهد که اقدامات عمرانی زیادی جهت آبادسازی و رونق بخشیدن به شهرها و روستاها توسط دولت سلجوقی صورت گرفته است و بسیاری از خرابی‌ها، آباد گشته است.

یزد که در گزارشات قرن چهارم اشارات بسیار مختصری بدان شده است با حضور خانواده بنی کاکویه در زمان سلجوقی رونق یافت و جایگاه رفیعی را کسب نمود، و تبدیل به شهری بزرگ و پرجمعیت گشت و بازار، کاروانسراها و دیگر بناها در آن تأسیس شد (جعفری، تاریخ یزد، ۱۳۴۳: ۳۴-۳۵ و ۳۸؛ کاتب، ۱۳۸۶: ۵۸).

شهرهای مرو، نیشابور و هرات در دوران سلجوقیان بسیار آباد گشتند و وسعت و جمعیتی عظیم در آنان پدید آمد (حافظ ابرو، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۰۴ و ۱۲۸ و ۱۳۴).



ماوراءالنهر که از سال ۴۸۲ هـ.ق تابع سلجوقیان شد، شاهد رونق و شکوفایی گشت، بازسازی شهر بیکند، بازسازی کهن دژ و حصار بخارا، بازسازی شمس آباد، بازسازی و تأسیس ربض جدید برای بخارا در این دوران و توسط ارسلان خان (۵۲۵-۴۹۴ هـ.ق) صورت گرفت و نیز پل و رباط اسکجکت نیز در این دوران احداث گشت (نرشخی، ۱۳۸۷: ۲۶، ۳۵، ۴۱، ۴۲، ۴۹ و ۲۰۰).

طبرستان نیز از قرن ششم با قدرت گرفتن کامل باوندیان از رونق و پیشرفت در حوزه توسعه شهر و شهرنشینی برخوردار گشت، شهر هو سم (رودسر) توسط حسامالدوله شهریار بن قارن (۵۰۴-۴۶۶ هـ.ق) مرمت و نوسازی شد، حسامالدوله در آن بازارها و دکانها تأسیس نمود (ابن اسفندیار، ۱۳۹۶، بخش سوم: ۳۷). غازی رستم بن علی باوندی (۵۵۸-۵۰۴ هـ.ق) نیز در طبرستان ساخت وسازهای گسترده جهت آبادانی آن سرزمین انجام داد، به صورتی که شعرا برای اقدامات او شعرا سرودند (همان، ۸۴ و ۱۰۴-۱۰۵). باروی شهر جرجان را نیز در زمان سلجوقیان ساختند (مستوفی، ۱۳۸۹: ۱۵۹). جرجان از مراکز مهم تولید ابریشم بوده است.

آذربایجان و اران نیز در زمان سلجوقی اهمیت و اعتبار یافت، مراغه در زمان سلجوقیان بسیار آباد شد و از نظر توسعه شهری مراغه در این دوران شکوفا گشت (زکریا قزوینی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۰۵). نقش اتابکان ایل احمدی در این رشد و شکوفایی بسیار پررنگ بوده است (ابن اثیر، ۱۳۸۸، ج: ۱۴، ص ۶۳۴۴). در اران و شروان نیز همین روند جریان داشت. زلزله سال ۵۳۵ هـ.ق گنجه را ویران نمود، اتابک قراسنقر (متوفی ۵۳۵ هـ.ق) شهر گنجه را بازسازی نمود و رونق را به آن بازگردانید (بنداری، ۱۳۵۶: ۲۲۶-۲۲۵). بدلیس و اخلاط نیز در دوران سلجوقی آباد گشت و توسعه یافت، ساخت و سازهای گسترده‌ای در آن در زمان سلجوقی انجام گرفت که به همراه خود رشد شهرنشینی و رشد اقتصادی را گواهی میدهد (بدلیسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۶۶-۳۶۷).

مقدسی در گزارشات خود از همدان که متعلق به قرن چهارم قمری است می‌گوید همدان آباد نیست و اهمیت آن را ری کسب کرده است (مقدسی، ۱۳۹۶: ۵۸۶). این در صورتی است که همدان یکی از پایتخت‌های سلجوقی در طول قرن ششم بوده، و در زمان فرمانروایی سلاطین سلجوقی عراق، اعتبار آن بسیار شده بود و ساخت و سازهای

گسترده در آن توسط سلجوقیان انجام گرفته بود و اهمیت و آبادانی آن هم پایه شهرهای بزرگ هم عصرش بوده است (بنداری، ۱۳۵۶: ۲۰۵؛ راوندی، ۱۳۸۶: ۲۰۹ و ۲۴۵؛ مجمع التواریخ و القصص، ۱۳۸۹: ۴۶۵؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

ساوه و آوه نیز در زمان سلجوقیان پرجمعیت و آباد گشت، بناهای زیادی در آن احداث شد و از اعتبار قابل توجهی برخوردار بود (زکریا قزوینی، ج ۲: ۱۱۵). اتابک شیرگیر (متوفی ۵۲۵ هـ. ق) پل بزرگی بر رودخانه‌ای میان ساوه و آوه احداث نموده بود که در وصف آن آمده است هفتاد طاق می‌داشته است (همان، ج ۲: ۲؛ مستوفی، ۱۳۸۹: ۲۲۱). قم و کاشان نیز چنانکه از توصیفات عبدالجلیل رازی قزوینی مشخص است، بسیار شکوفا گشته و هم از نظر توسعه شهرنشینی و هم از نظر تولید ثروت از جایگاه در خوری برخوردار شدند (رازی قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۹۴-۱۹۴ و ۱۹۸-۱۹۹) قزوین نیز در زمان سلجوقی توسعه یافت و ساخت و سازهای بیشماری در آن انجام شد که در خلال گزارشات در خصوص ساخت و سازهای آن میتوان رشد اقتصادی شهر و مراکز مربوط به این مهم را درک نمود (مستوفی، ۱۳۹۴: ۷۸۲؛ رافعی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۴-۵۰؛ زکریا قزوینی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۷۱).

دولت‌های محلی تابع سلجوقیان در عراق عرب نیز هم‌گام با دولت سلجوقی، در رشد و توسعه شهرها و روستاها اقدامات زیادی انجام می‌دادند، همچنین کارگزاران دولت سلجوقی نیز در این مهم شریک بودند و هر کدام قدم‌هایی را در این راه بر می‌داشتند.

عمادالدین زنگی (۵۲۵-۵۴۱ هـ. ق) در موصل شهر عمادیه را ساخت (بدلیسی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۰۶ و ۳۶۶). غازی بن عمادالدین زنگی (۵۴۱-۵۴۴ هـ. ق) و برادرش نورالدین محمود زنگی (۵۶۹-۵۴۱ هـ. ق)، در شهرهای موصل، حلب و دمشق ساخت و سازهای گسترده‌ای را انجام دادند و در زمان آل زنگی این مناطق بسیار شکوفا و آباد گشت و از مراکز تولید ثروت در عراق و شامات به شمار می‌رفت (سبط بن الحوزی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۲۰۳؛ تتوی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۰۶۴؛ ابن خلکان، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۴۵-۲۴۶؛ ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۴۷-۳۴۸). باروی شهر شیزر در نزدیکی حماه نیز توسط نورالدین محمود زنگی نوسازی شد (یاقوت حموی، ۱۳۹۱، نیمه نخست: ۲۵۹-۲۶۰). بر اساس

توصیفات ابن جبیر اندلسی، از حلب و میزان آبادانی آن، (ابن جبیر، ۱۳۷۰:۳۱۲) و مقایسه آن با توصیفات مقدسی جغرافیدان قرن چهارم قمری (مقدسی، ۱۳۹۶: ۲۲۰-۲۲۱) مشخص می‌شود که شکوفایی چشم‌گیری در حلب نسبت به گذشته در دوران مورد بحث پدیدار گشته است.

در زمان نورالدین محمود زنگی (۵۶۹-۵۴۱ هـ.ق) تمام شهرهای دمشق و حلب، باروها و قلعه‌هایشان مرمت و نوسازی شدند، کاروانسراهای بی‌شمار در جاده‌ها و راه‌ها احداث شد، و میل‌ها بسیار جهت امنیت راه‌ها به دلیل اقدامات صلیبی‌ها برپا شد و کبوتران نامه‌بر به همراه سربازان در آنها مستقر شدند (ابن واصل، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۴۴ و ۳۴۲). شرایط این نواحی با اقدامات آل زنگی ثبات یافت و جایگاه ویژه‌ای را کسب کرد. اربل عراق نیز در دست آل بکتکین رونق یافت و از شرایط خوبی برخوردار گشت. آنان از امرای آل زنگی بودند (لین پول، ۱۳۹۰: ۱۴۷). زین‌الدین علی بن بکتکین (۵۶۳-۵۳۹ هـ.ق) در عراق اقدامات زیادی جهت ساخت پل‌ها و کاروانسراها کرده است (سبط بن الجوزی، ۱۴۲۴، ج ۲۱: ۱۴۵-۱۴۶). یکی از مملوکان او سَرَفَتَکین (متوفی ۵۵۹ هـ.ق) که بر اربل به جای او حکومت می‌کرد، به پیروی از امیر خود در اربل و نواحی آن ساخت و سازهای بسیار داشته و روستاهای زیادی را که ویران شده بودند آباد گردانید. همچنین حصار برای شهر فید بنا نمود (ابن خلکان، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۴۶-۴۴۸).

از وزیران مشهور آل زنگی در موصل جمال‌الدین موصلی (متوفی ۵۵۹ هـ.ق) است. اقدامات خیرانه او در مدینه و مکه شهرت زیادی دارد، او در موصل پل‌ها، قنات‌ها و رباط‌های زیادی را احداث و حفر نمود، در جزیره ابن عمر پل بزرگی را دستور به ساخت داده بود و رباط‌هایی در سنجار و نصیبین احداث کرد (سبط بن الجوزی، ۱۴۳۴، ج ۲۱: ۴۸).

از اقدامات سلاطین سلجوقی عراق نیز در عراق عرب، باید به بازسازی و آباد نمودن روستاهای آن در سال ۵۴۶ هـ.ق توسط سلطان مسعود (۵۴۷-۵۲۹ هـ.ق) اشاره نمود. همچنین به اقدامات مجاهدالدین بهروز شحنه عراق (۵۴۰-۵۰۲ هـ.ق) جهت آبرسانی منطقه نهروانات و ارتقاع زراعت در آن نواحی اشاره نمود، او رود

دجیل را حفر و تعمیر نمود و سدی در آن بست، اقدامات او هفتاد هزار دینار هزینه بر داشت و او تا پایان عمر برای رسیدگی به این شهر و سد تلاش می‌نموده است (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ج ۱۷: ۳۳۵ و ج ۱۸: ۱۷ و ۸۱).

شهرهایی چون حصن کیفا، ماردین و دیاربکر نیز که تحت تسلط خاندان ارتقیه بودند، رونق یافتند و از مراکز آباد در این دوران به شمار می‌رفتند و اقداماتی توسط آل ارتقیه در این نواحی صورت گرفت (لین پول، ۱۴۸: ۱۳۹۰، لسترنج، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

با توجه به وضعیت شهرهای ایران، عراق و شام از لحاظ اقتصادی و نیز امکانات مربوط به این قسم موارد، در بحث تولید ثروت، رشد و توسعه شهر و مناسبات آن با توسعه اقتصادی، در قیاس با قرن چهارم، این وضعیت از اواسط قرن پنجم تا اواسط قرن ششم توسعه یافته و به حیات خود ادامه داده است، هرچند به صورت مشخص از بناهای اقتصادی در شهرها و مناطق غیرشهری گزارشاتی دقیق نداریم و تعداد مشخص نیز از آنان نیست، اما کلیات و کلی‌گویی‌هایی که در گزارشات تاریخی به ثبت رسیده است، باب رونق یافتن بسیاری از شهرها در زمان سلجوقی و همچنین نوسازی و مرمت بسیاری از آنان، و به همراه آن روستاهای بی‌شمار، مشخص می‌شود که سلجوقیان پس از تثبیت قدرت تمام تلاش خود را جهت بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی شهرها مبذول داشتند، و با ساخت و سازهای گسترده که بناهای اقتصادی نیز جزء لاینفک آن بوده وضعیت را بهبود بخشیده و از امکانات و ابزارهای موجود در آنان برای ارتقای سطح درآمد دولت و مردم استفاده نمودند. شهرهایی چون بلخ، هرات، کرمان، ری، بصره و ... که از انبارهای انواع کالا و محصولات به شمار می‌رفتند، رشد و توسعه‌ای را در طول حکومت سلجوقی نیز تجربه نمودند، و با رشد شهر نشینی روبه رو گشتند، بسیاری از شهرها نیز که ویران شده بودند یا سابقاً در حاشیه بودند، اهمیت یافتند و شکوفایی را در زمینه‌ها مختلف از جمله مسائل اقتصادی تجربه نمودند.

نکته‌ای که نباید نادیده گرفته شود وضعیت خراسان از اواسط قرن ششم قمری با مرگ سلطان سنجر (۵۵۲.ق) و حملات غزان است، که لطمات شدیدی به خراسان وارد ساخت و خراسان را قبل از حمله مغول ویران ساخت (ظهیرالدین نیشابوری، ۱۴۰۰: ۵۶-۵۱).

وضعیت عراق عجم نیز بهتر از خراسان نبود، هرج و مرج میان امیران و از طرفی تأثیر حوادث خراسان بر شرایط سیاسی آن، بی‌ثباتی را بر این نواحی حکمفرما کرده بود (راوندی، ۱۳۸۶: ۳۰-۳۳ و ۳۷). کرمان نیز به همین وضع دچار شده و با حضور غزان ثبات و آسایش از آن دیار رخت برکند (حامد کرمانی، ۱۳۲۶: ۸۷-۹۴). با وجود حوادثی که در چهار دهه آخر دولت سلجوقی رخ داد، براساس مدارک تاریخی توسعه بناهای اقتصادی در کنار توسعه فضاهای شهری صورت گرفته است و موجبات تولید ثروت در جامعه و ثروتمند شدن دولت سلجوقی را فراهم آورده است.

### نتیجه

در مطالعه حاضر تأسیسات مربوط به کسب و کار در غالب فضاها با کاربری اقتصادی در نواحی مختلف و نقش نخبگان نظامی، سیاسی و مذهبی در راستای این اهداف، مورد بررسی قرار گرفت: میزان ساخت و ساز بناها و عوامل تأثیرگذار بر آن چنین مشخص می‌نمایند که نمی‌توان به صورت کمی میزان تأسیسات را بررسی نمود اما در خلال گزارشات کلی پیرامون اقدامات عمرانی دولت سلجوقی و بررسی وضعیت اقتصادی و تراکم اقتصادی بسیاری از شهرها و روستاها قبل از روی کار آمدن سلجوقیان، می‌توان به فهم در خصوص تأسیسات اقتصادی این دوران نائل شد.

اقدامات سلجوقیان در زمینه ساخت و بازسازی شهرها، نشان‌دهنده احیاء تحرکات اقتصادی در نواحی مختلف بوده است، همچنین عوامل اصلی این مهم متکی به تولید ثروت جهت مخارج دولت می‌بوده، سلجوقیان با فراهم نمودن امنیت در سرزمین‌های تحت تصرف خود توانستند رونق اقتصادی و توسعه شهرها را فراهم سازند، این اقدامات نه تنها از جانب سلاطین که توسط کارگزاران دولتی و در ارتباط با دولت به وقوع می‌پیوست. همچنین نیازهای مردم نیز در گرو پدیدار شدن کالدها و فضاهای مناسب در بستر اقتصادی بود که از قبل امنیت ایجاد شده، درخواست می‌شد. همچنین بسیاری از شهرها و روستاها قبل از حضور سلجوقیان نیز از مراکز تولید کالا و محصولات گوناگون بودند که در خلال جنگ‌های داخلی و نبود امنیت از رونق می‌افتادند، با ساکن شدن سلجوقیان و تثبیت قدرت آنان، امکانات و پیشینه این شهرها ایجاد می‌کرد تا دولت سلجوقی اقدامات لازم را برای رونق و حیات دوباره آنان انجام دهد. بنابراین تأسیس بناهای گسترده نظیر بازارها، کاروانسراها، رباط‌ها و ... در خلال

بازسازی بسیاری از شهرها، روستاها و راه‌ها، نشان می‌دهند که دوران سلجوقی رشد و توسعه اقتصادی هم‌گام با توسعه شهر و شهرنشینی را تجربه نموده و از ظرفیت‌های موجود در ممالک تحت تصرف خود به‌رمنند گشته است.

### کتابنامه

- ابن بلخی، *فارس‌نامه*، تصحیح و تحشیه گای لسترانج و نیکلسون، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵
- ابوبکر محمدبن جعفر النرشخی، *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القبای، تلخیص محمدبن ظفر بن عمر، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۷
- ابوزید عبدالرحمن بن محمد (ابن خلدون)، *العبر دیوان المبتدا و الخبر فی الملوک العرب و العجم و البربر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
- ابی بکر قطبی اهری نجم، *تواریخ شیخ اویس*، به کوشش ایرج افشار، تبریز: ستوده، ۱۳۸۹
- ابن حوقل، *سفرنامه ابن حوقل*، ترجمه و توضیح جعفر شعار، امیر کبیر، تهران: ۱۳۶۶
- احمدبن حسین بن علی کاتب، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶
- احمدبن محمدبن ابراهیم ابوالعباس شمس‌الدین برمکی اربلی (ابن خلکان)، *منظر الانسان ترجمه و فیات الاعیان*، ترجمه احمدبن محمدبن عثمان بن علی بن احمد اشجاع السنجری، تصحیح و تعلیق فاطمه مدرسی، ارومیه، دانشگاه ارومیه: ۱۳۸۱
- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم، *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، موقوفات افشار و سخن، تهران: ۱۳۹۷
- ابن فقیه، ابوبکر محمد بن محمد بن اسحاق همدانی، *ترجمه مختصر البلدان بخش مربوط به ایران*، ترجمه ح-مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران: ۱۳۴۹
- ابن واصل، جمال‌الدین محمد بن سالم، *مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب*، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳

- آژند، یعقوب (مترجم و گردآورنده)، *مجموعه مقالات سلجوقیان*، تهران: مولی، ۱۳۹۰
- بهاءالدین محمدبن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر، ۱۳۹۶
- بنداری اصفهانی، *زبده النصره و نخبه العصره تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (ابن فندق)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح و تحشیه قاری سید کلیم الله حسینی، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران: اساطیر، ۱۳۹۶
- جعفری، جعفر بن محمد، *تاریخ یزد*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸
- حاتم، غلامعلی، *معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، *جغرافیای حافظ ابرو*، تصحیح و تحقیق صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۸
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله، *جغرافیای حافظ ابرو*، تصحیح سید علی آل‌داود، تهران: انتشارات سخن و محمود افشار، ۱۳۹۹
- حدودالعالم*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: *زبان و فرهنگ ایران و طهوری*، ۱۳۶۲
- حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود، *ریاض الفردوس خانی*، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۸۵
- حسینی یزدی، محمدبن محمدبن نظام، *العراضه فی الحکایه السلجوقیه*، به کوشش مریم میرشمسی، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۸
- خبیصی، میرزا محمد ابراهیم، *سلجوقیان و غز در کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علمی، ۱۳۸۶

- خوافی، فصیح، *مجمعل فصیحی*، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، ج ۲، ۱۳۸۶
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، *التدوین فی الاخبار قزوین*، عزیزالله عطاردی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، *راحت الصدور و آیت السرور در تاریخ آل سلجوق*، تصحیح محمد اقبال، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد بن شهاب الدین ابی الخیر، *شیرازنامه*، به کوشش اسمعیل واعظ جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰
- زکریا ابن محمد قزوینی، *ترجمه آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاهمرادی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۵
- شرفخان بن شمس الدین بدلیسی، *شرفنامه*، به اهتمام ولادیمیر ویلیامینوف زرنوف، تهران: اساطیر، ۱۳۹۸
- شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قیزاوغلی (سبطین الجوزی)، *مرآت الزمان فی التواریخ الاعیان*، دمشق: رساله العالمیه، ۱۴۳۴ ه.ق
- صابر، محمد، «تأسیس و توسعه بناهای شهری در دوران سلجوقیان بزرگ»، پایان نامه کارشناسی ارشد، با راهنمایی دکتر شهرام یوسفی فر، دانشگاه تهران، خرداد ۱۴۰۰
- صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی حسینی، *زبده التواریخ اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی*، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی - مصحح متن عربی محمد نورالدین -، تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۰
- عزالدین بن اثیر، *تاریخ کامل*، ترجمه حمیدرضا آذیر، تهران: اساطیر، ج ۱۳، ۱۳۸۵
- عزالدین بن اثیر، *تاریخ کامل*، ترجمه حمیدرضا آذیر، تهران: اساطیر، ج ۱۴، ۱۳۸۸
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام، *آثار الوزرا*، به تصحیح و تعلیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷



- قبادیانی، ناصر خسرو، *سفرنامه*، تصحیح و تحشیه محمود غنی زاده، تهران: اساطیر، ۱۳۹۳
- قزوینی، قاضی احمد تتوی آصف خان، *تاریخ الفی*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۲
- کرمانی، افضل‌الدین ابو‌حامد احمدبن حامد، *بدایع الازمان فی وقایع کرمان*، فراهم آورده مهدی بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۶
- کرمانی، افضل‌الدین ابو‌حامد احمدبن حامد، *عقد العلی للموقف الاعلی*، شرح و تحلیل مریم ایرانمنش، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۴
- گای، لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۶
- لابی‌الفرج عبدالرحمان بن علی بن محمدبن الجوزی، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، دراسه و التحقيق محمد عبدالقادر عطا مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه.ق
- لین پل، استانلی، *طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر، ۱۳۹۰
- مافرخی، *ترجمه محاسن اصفهان*، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: مجله یادگار، ۱۳۲۸
- محمدبن منوربن ابی‌سعیدبن ابی‌طاهر بن ابی‌سعید میهنی، *اسرار التوحید فی المقامات شیخ ابی‌سعید*، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه، ۱۳۶۶
- مستوفی قزوینی، حمدالله، *نزهت القلوب*، تصحیح و تحشیه گای لسترانج، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹
- مجمل التواریخ و القصص*، تصحیح و تحشیه ملک‌الشعرا بهار، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹
- محمدبن احمدبن جبیر، *سفرنامه*، تصحیح ویلیام رایت، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۰

تأسیس بناهای اقتصادی در دوره سلجوقیان بزرگ ۸۳

- محمدبن خاوند شاه‌بن محمود (میرخواند)، *تاریخ روضه‌الصفاء*، به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵
- محمدبن علی‌بن محمد شبانکاره‌ای، *مجمع‌الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳
- مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۴
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: کومش، ۱۳۹۶
- منشی کرمانی، ناصرالدین، *نسائم الاسحار من لطائم الاخبار در تاریخ وزرا*، به تصحیح و تعلیق جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴
- نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸
- نیشابوری، ظهیرالدین، *سلجوق‌نامه*، به کوشش الکساندر مورتن، تهران: میراث مکتوب، ۱۴۰۰
- یاقوت‌بن عبدالله حموی بغدادی، *معجم‌البدان*، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ج ۱ (بخش اول و دوم) و ۲، ۱۳۸۰
- یاقوت‌بن عبدالله حموی بغدادی، *برگزیده مشترک یاقوت حموی*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۴۷
- یاقوت‌بن عبدالله حموی بغدادی، *معجم‌الادبا*، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش، ۱۳۹۱
- یوسف‌زمانی، مهرداد؛ نعمتی آبکناری، علی؛ خالدیان، ستار، «*واکاوی آثار معماری و اقدامات عمرانی نخستین حکمرانان سلجوقی بر اساس منابع مکتوب از سال ۴۲۹ تا ۴۶۵ ه.ق.*»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۲، دوره هفتم، بهار ۱۳۹۶
- یوسفی‌فر، شهرام، *جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان*
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰
- یوسفی‌فر، شهرام، «*الگوهای گسترش کالبدی شهر در سده‌های میانه تاریخ*

ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۲، ۱۳۸۵  
یوسفی فر، شهرام، «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران»، تاریخ  
ایران، شماره ۶۵-۶۴، بهار ۱۳۸۹

### **Bibliography**

- Ibn Balkhi, Fars Nameh (2015), revised and updated by Guy Lestrangle and Nicholson, Tehran: Asatir.
- Abu Bakr Mohammad bin Jafar al-Narshakhi(1387), History of Bukhara, translated by Abu Nasr Ahmad bin Mohammad bin Nasr al-Qabawi, Talkhis Mohammad bin Zafar bin Omar, edited and revised by Modaresi Razavi, Tehran: Toos Publication.
- Abu Zayd Abdual-Rahman ibn Mohammad (Ibn Khaldun)( 1388), Al-Abar Diwan al-Mubtada wa al-Khabar fi al-Muluk al-Arab wa al-Ajam wa al-Barbar, translated by Abdul Mohammad Ayati, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Abi Bakr Qutbi Ahari Najm(2009), The Chronicles of Sheikh Owais, with the effort of Iraj Afshar, Tabriz: Sotoudeh.
- Ibn Hawqal(1366), Ibn Hawqal's travel book, translated and explained by Jafar Sha,ar, Amir Kabir, Tehran.
- Ahmad bin Hossein bin Ali Kateb(1386), the New history of Yazd, with the efforts of Iraj Afshar, Tehran: Amir Kabir.
- Ahmad bin Mohammad bin Ibrahim Abu al-Abbas Shams al-Din Barmaki Erbali (Ibn Khallakan)( 1381), Manzar al-Insha, translated by Ahmad bin Mohammad bin Othman bin Ali bin Ahmad Ashja'a al-Sanjari, corrected and edited by Fatima Modaresi, Urmiya, Urmiya University.
- Istakhari, Abu Ishaq Ebrahim(2017), Masalek and Mamalek, translated by Mohammad bin Asad bin Abdullah Tostari, with the effort of Iraj Afshar, Afshar, Tehran.
- Ibn Faqih, Abu Bakr Mohammad bin Mohammad bin Ishaq Hamadani(1349), a brief translation of Al-Buldan, the section related to Iran, translated by H. Masoud, Tehran, Farhang Iran Foundation.
- Ibn Wasil, Jamal al-Din Mohammad bin Salem(2013), Mufarj al-Karroub, in the news of Bani Ayyub, translated by Parviz Atabaki, Tehran: Scientific and Cultural.
- Azhand, Yaqub (translator and compiler(1390), Seljuqid essay collection, Tehran: Molly.
- Bahauddin Mohammad Bin Esfandiar(2016), History of Tabaristan, edited by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Asatir.
- Bondari Esfahani, Zubdeh al-Nusra and Nokhba al-Asra(1356), the

history of the Seljuq dynasty, translated by Mohammad Hossein Jalili, Tehran: Farhang Iran Foundation.

Beyhaqi, Abu al-Hasan Ali bin Zayd (Ibn fonduq)( 2016), History of Beyhaq, corrected and revised by Qari Seyyed Kalimullah Hosseini, under the care of Abdul Karim Jorbozedar, Tehran: Asatir.

Jafari, Jafar bin Mohammad(1343), History of Yazd, by Iraj Afshar, Tehran: Book Translation and Publishing Company.

Jihani, Abul-qasem bin Ahmad(1368), Forms of the Universe, translated by Ali bin Abdulsalam Katib, Mashhad: Astan Quds Razavi.

Hatem, Gholam Ali(2019), Islamic Architecture of Iran in the seljukid era, Tehran, jahad Academic publishing Organization.

Hafez Abro, Shahab-ulddin Abdullah Khafi(1378), Geography of Hafez Abro, corrected and researched by Sadegh Sajjadi, Tehran: Written Heritage.

Hafez Abro, Shahab-ulddin Abdullah(2019), Geography of Hafez Abro, corrected by Seyyed Ali Al-Dawood, Tehran: Sokhan and Mahmoud Afshar Publishing House.

Hudud al-Alam(1362), by the effort of Manouchehr Sotoudeh, Tehran, Tahuri.

Hosseini Monshi, Mohammad Mirak Bin Massoud(2015), Riaz Al-Ferdows Khani, with the efforts of Iraj Afshar and Fereshte Sarafan, Tehran: Mahmoud Afshar Foundation.

Hosseini Yazdi, Mohammad bin Mohammad bin Nizam(2018), al-Uraza fi al-Hikayet al-Saljuqiyya, by Maryam Mirshamsi, Tehran: Afshar Foundation.

Khabisi, Mirza Mohammad Ebrahim(2016), Seljuqians and Ghos in Kerman, corrected by Mohammad Ebrahim Bastani Parizi, Tehran: Scientific Publication.

Rafei Qazvini, Abd al-Karim bin Mohammad(1408), al-Tadwin fi al-Akhbar Qazvin, Azizullah Atarodi, Beirut: Dar al-Kitab al-elmiya.

Ravandi, Mohammad bin Ali bin Soleyman(2016), Rahat al-Sudour and Ayat al-Suror in the history of Al-Seljuq, edited by Mohammad Iqbal, Tehran, Asatir.

Zarkoub Shirazi, Abu al-Abbas Moin al-Din Ahmed bin Shahab al-Din Abi al-Khair(1350), Shiraz nameh, edited by Ismail Vaez Javadi, Tehran: Farhang Iran Foundation.

Zakaria Ibn Mohammad Qazvini(2015), translation of the works of Al-Bilad and Akhbar and al-Abad, translated by Mohammad Morad bin Abdul Rahman, corrected by Seyyed Mohammad Shah moradi, Tehran: University of Tehran.

Sharaf khan bin Shamsuddin Badlisi(2018), Sharaf nameh, edited by

Vladimir Williaminov Zarnov, Tehran: Asatir.

Shams al-Din Abu al-Muzaffar Yusuf bin Qizaoghli (Sabt bin Al-Jawzi)( 1434), Marat al-Zaman fi al-Tawarikh al-Ayyan, Damascus: Risalah al-Alamiya..

Saber, Mohammad(June 2021), “Establishment and Development of Urban Buildings in the Great Seljuk era”, Master`s Thesis, under the guidance of Shahram Yousefifar, University of Tehran.

Sadr al-Din Abul Hasan Ali bin Nasser bin Ali Hosseini(2010), Zabdah al-Tawarikh, Chronicles of the Seljuk Princes and Kings, translated by Ramzan Ali Roholahi, corrected by Mohammad Noor al-Din, Tehran: Il Shahson Baghdadi Publications.

Ezzeddin Ibn Athir(2015), Al-kamel fi Trikh, translated by Hamidreza Azhir, Tehran: Asatir, vol. 13.

Ezzeddin Ibn Athir(2018), Al-kamel fi Trikh, translated by Hamidreza Azhir, Tehran: Asatir, vol. 14.

Aghili, Seifuddin Haji bin Nizam, Athar al-Ozra(1337), corrected and suspended by Mir Jalaluddin Hosseini Urmavi, Tehran: University of Tehran.

Ghobadiani, Nasser Khosro(2013), Travel book, correction and revision: Mahmoud Ghanizadeh's, Tehran: Asatir.

Qazvini, Qazi Ahmed Tataavi Asif Khan(2012), Tarikh al-Fi, corrected by: Gholamreza Tabatabai Majid, Tehran: Ilmi Farhani.

Kermani, Afzaluddin Abu Hamid Ahmad bin Hamed(1326), Badai al-Zaman fi vaqaye Kerman, provided by Mehdi Bayani, Tehran: Tehran University Press.

Guy, Lestrangle(1386), Historical Geography of Eastern Caliphate Lands, translated by Mahmoud Irfan, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Abi al-Faraj Abdul rahman ibn Ali ibn Mohammad ibn al-Jawzi(1415), al-Muntazem fi al-Tarikh al-Muluk wa al-Ummam, Drase and Tahaqiq Mohammad Abd al-Qadir Atta Mustafa Abd al-Qader Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.

Lin Paul, Stanley(1390), Tabaqat Salatin Islam, translated by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Asatir.

Mafarkhi(1328), translation of Mahasan of Isfahan, by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Yadgar Magazine.

Mohammad bin Monavr bin Abi Saad bin Abi Tahar bin Abi Saeed Mihni(1366), Asrar al-Tawheed fi al-Maqamat Sheikh Abi Saeed, corrected and annotated by Mohammad Reza Shafi'i Kadkani, Tehran: Agha.

Mustofi Qazvini, Hamdullah(2009), Nouzhat al-Qulob, revised and revised by Guy Lestrangle, Tehran: Asatir.

Mo'jam al-Tawarikh and al-Qasas(2009), edited and revised by Malek al-Shaara Bahar, Tehran: Asatir.

Mohammad bin Ahmad bin Jubair(1370), Travel book, corrected by William Wright, translated by Parviz Atabaki, Mashhad: Astan Quds.

Mohammad bin Shah bin Mahmud (Mirkhwand)( 2015), History of Rozat ol-Safa, corrected and revised by Jamshid Kianfar, Tehran: Asatir.

Mohammad bin Ali bin Mohammad Shabankarei(1363), Majma al-Ansab, edited by Mirhashem Mohhaddeth, Tehran: Amir Kabir.

Mustofi, Hamdullah(2014), Selected history, by Abdul Hossein Navaei, Tehran: Amir Kabir.

Maghdasi, Abu Abdullah Mohammad bin Ahmad(2016), Ahsan al-Taqasim fi al-Marafat al-Aqalim, translated by Ali Naghi Monzavi, Tehran: Kumesh.

Monshi Kermani, Naser al-Din, Nasaim al-Asar Men Lataim al-Akhbar, in the history of ministers,(1364) by Jalal al-Din Hosseini Urmavi Mohhaddeth, Tehran: Ettelaat Publications.

Yousef Zamani, Mehrdad, Nemat Abkanari, Ali Khaledian, Sattar(spring 2016), "Study of Architectural works and construction measures of the first Seljuk rulers based on written sources from 429 to465 AH", Iranian Archaeological Research, number 12, seventh period.

Yousefifar, Shahram (2019), Essays on the Relationship between the city and urbanization in the Seljuk era, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran.

Yousefifar, Shahram (2015), "Patterns of physical expansion of the city in the middle centuries of Iranian history", Shahid Beheshti University Humanities Research Journal, No. 52,

Yousefifar, Shahram(spring2019), "Patterns of the emergence of the city and urbanization in the history of Iran", History of Iran, No. 64\_65.